

عنوان مقاله:

معرفت و علایق انسانی؛ جستاری درباره نسبت دو مقوله

محل انتشار:

فصلنامه نقد و نظر، دوره 23، شماره 92 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

محمدرضا اسمخانی (نویسنده مسئول) - دانشجوی دکتری موسسه حکمت و فلسفه ایران، گروه مطالعات علم، ایران، تهران (نویسنده مسئول)

حسین شیخ رضایی - استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گروه ترویج علم، ایران تهران

خلاصه مقاله:

این مقاله می‌کوشد به یکی از مباحث چالش برانگیز در معرفت‌شناسی یا علم‌شناسی، یعنی رابطه علایق انسانی با معرفت به ویژه معرفت علمی بپردازد و الگویی قابل دفاع از نسبت میان این دو مقوله ارائه دهد. در این راستا، نخست سه سنخ الگوی پیشنهادی درباره این رابطه طرح و نقد می‌شوند: رابطه استعلایی علایق با معرفت (هابرماس)، رابطه برسازنده یک سوبه علایق با معرفت علمی (برنامه قوی) و رابطه برساخته دوسوبه علایق معرفت (نظریه شبکه عامل). سپس در ادامه تلاش می‌شود الگوی جدیدی از پیوند علایق انسانی و معرفت علمی در یک چارچوب تصمیم‌گرایانه ارائه گردد که معتقدیم هم در برابر نقدهای پیش‌گفته مصون است و هم به شکل واقع‌گرایانه‌تری موقعیت‌های بالفعل تصمیم‌گیری علمی و نقش علایق در آن را توضیح می‌دهد. در این نظریه، به اختصار علایق و منافع انسانی همواره نقشی برسازنده در معرفت دارند (در برابر اسطوره دانشمند بی‌علاقه)، ولی برخلاف هر سه الگوی مورد نقد، آنها را به عنوان بردارهای تصمیم‌امکانی که عضو خانواده‌ای بزرگ‌تر از ارزش‌ها هستند تصویر می‌کند که در برهم‌کنش با یکدیگر به انتخاب‌های علمی شکل می‌دهند.

کلمات کلیدی:

علایق انسانی، معرفت (علمی)، رابطه استعلایی، رابطه برسازنده، رابطه برساخته، بردارهای تصمیم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/878414>

